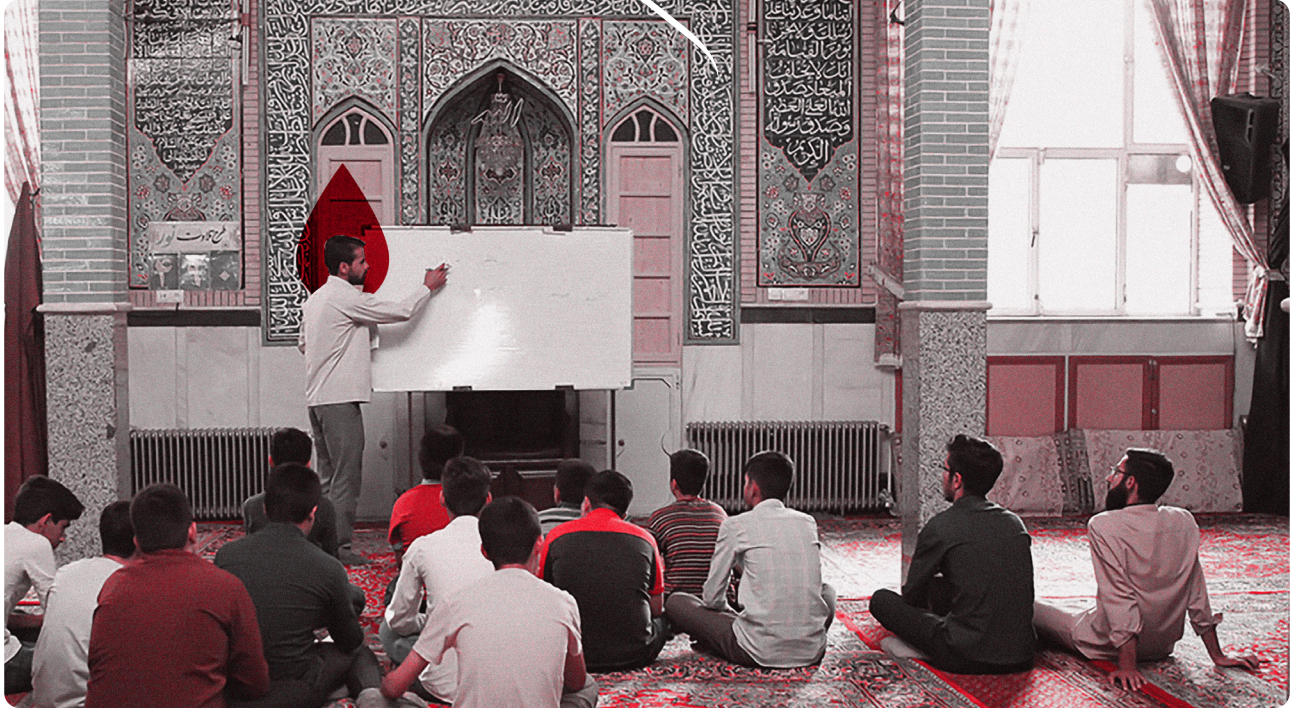




- ۱ اینجا جمهوری اسلامی است
- ۲ مردم ایران را آزاد میکنیم!
- ۳ تفنگ داران جهاد تبیین
- ۴ آتش در آسیاب دشمن بریزید



اینجا جمهوری اسلامی است

سید علی علمداری

به گذشته برگردیم، به ۱۴ مهر سال ۱۳۴۱، آنجایی که دولت ایران قانونی را تحت عنوان انجمن‌های ایالتی و ولایتی تنظیم کرد. براساس این قانون شرط مسلمان بودن و سوگند به قرآن کریم برای انتخاب شدن مردم برداشته شد. پس از آن، علمای اسلام از جمله امام خمینی (ره)، با این اقدام حکومت پهلوی مخالفت کردند. امام خمینی (ره) که این تصویب‌نامه را خطری برای دین اسلام و نفوذ بهائیت در مناصب حکومتی می‌دید، تلگرافی اعتراضی را به شاه پهلوی ارسال کرد. با افزایش تلگراف‌ها و فشارها از سوی علما، بالاخره اسدالله علم در ۷ آذر همان سال لغو این قانون را اعلام کرد. پس از این، حرکتی بر علیه پهلوی به رهبری امام خمینی آغاز شد.

در نتیجه این حرکت، حدود ۱۷ سال بعد انقلاب اسلامی ایران به دست مردم و رهبری امام خمینی در ۲۲ بهمن سال ۵۷ به پیروزی رسید و پس از رأی مردم، جمهوری اسلامی شکل گرفت. این حوادث

جهاد تبیین، سختی دارد!

با سطح جامعه از این طریق رخ می‌دهد. متأسفانه پایش صحیح و قابل اتکایی از فعالیت‌های پایگاه‌های بسیج، مساجد و مراکز فرهنگی در اختیار عموم قرار نمی‌گیرد، اما آنچه با یک نگاه سطحی به دست می‌آید، کاهش فعالیت این مراکز در چند سال اخیر و به‌خصوص از زمان آغاز شیوع بیماری کروناست. قشر سنی نوجوان و جوان به دلیل آنکه از سطح انرژی و فعالیت بالایی برخوردار است، بیشترین تماس و اثرپذیری را با مراکز فرهنگی مختلف به‌عنوان نهادهای کنشگر دارد. چنانچه مراکز ما نتوانستند این قشر سنی را با خود شریک سازند، اعضای فعال نوجوان و جوان کشور درگیر مسائل مختلفی می‌شوند که تأثیر و تأثر آن‌ها، دیگر لزوماً منطبق با ارزش‌های انقلابی و اسلامی نخواهد بود.

حال چه می‌توان کرد؟ مشخصاً این نوشتار قصد پرداختن به راهکارهای کوتاه‌مدت یا مطالبه از نهادهای دولتی را ندارد، بلکه انگشت خطاب را به‌سوی حلقه‌های میانی که احتمالاً بسیاری از خوانندگان این نشریه، از اعضای همین دسته هستند، گرفته است. بعد از

حلقه‌های میانی همواره نقش برجسته‌ای در ایجاد و استمرار فعالیت‌های انقلابی داشته‌اند. نگاه ما به حلقه‌های میانی باید یک نگاه فرایندی باشد؛ به این صورت که این دسته به‌نوعی می‌تواند نیروی

محركه صدر تا ذیل نظام و جامعه اسلامی برای حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی باشد؛ لذا ادعای گزافی نیست اگر بگوییم مهم‌ترین نقش در تحقق تمدن نوین اسلامی از آن حلقه‌های میانی است. اما امروز مسئله‌ای که تمام عناصر حاضر در کشور را درگیر خود نموده، اغتشاشات است. اگر ما به حلقه‌های میانی به‌عنوان بازیگری برجسته نگاه کردیم، آنگاه در موضوع مسئله امروز جامعه نیز نقش آن قابل تحلیل، احیاناً نقد و یا تمجید است.

پایگاه‌های بسیج، مساجد و مراکز فرهنگی به‌عنوان بخش عظیمی از تشکیل دهندگان حلقه‌های میانی بیشترین سطح برخورد با این مسئله را دارند، چراکه حداکثر تماس

سرمقاله



سیدمحمدرضا پاکیزه یزدی

ادامه در صفحه ۳

اینجا ایران است، کشوری که پیش از انقلاب در مقالات پراستناد دنیا جایگاهی نداشت؛ اما در حال حاضر ۷۳ درصد این مقالات، نوشته نخبگان و دانشمندان ایرانی است و ۵ درصد مقالات داغ دنیا توسط ایرانیان نوشته می‌شود.

چی بودیم
چی شدیم..





امام روح الله (ع) مبارزه همیشگی با دشمنان

تبلیغات دامنه دار از اول انقلاب تا امروز است که برای تضعیف روحیه ملت مقاوم و رزمندگان عزیز به هر نوع دروغ و تهمت متشبه شدند، ولی بحمدالله نه تنها هیچ یک از تیرهای آنان به هدف نرسید، که نتیجه معکوس داد. اکنون از چنین مارهای زخم خورده ای نباید غافل بود.

صحیفه امام، جلد ۱۹، صفحه ۲۲۲

بایدن: «مردم ایران را آزاد می‌کنیم»

حمیدرضا سلطانیان

و طرح فشار حداکثری شد تنها بخشی از ظلم سلب آزادی مدعیان حقوق و آزادی بشر علیه ایران بود تا اجازه ندهند این کشور آزادانه در مسیر پیشرفت حرکت کند. رهبر انقلاب اسلامی در این باره فرمودند: «چالش اساسی و امروز کشور ما، چالش پیشرفت و توقف و رکود و ارتجاع است، زیرا ما در حال پیشرفت هستیم؛ ولی قدرت‌های استکباری از پیشرفت ایران اسلامی مضطرب و ناراحت می‌شوند و حرص می‌خورند.»

از دهه هفتاد به بعد آمریکا و هم‌پیمانانش پروژه جدید درگیری داخلی در ایران را هم به موارد سابق اضافه کردند تا کشور مستقل و آزاد ایران طعم سختی و آشوب را در سال‌های ۹۸، ۸۸، ۷۸ بچشد. این توطئه‌ها رفته‌رفته چندان‌تر شد تا کشور را دچار اغتشاشات در سال کنونی کند. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران در طی این سال‌ها یک جهش فوق‌العاده را در عرصه‌های علمی، صنعتی، پزشکی و نظامی در سطح جهان و منطقه رقم زده است، و در سطح جهان و منطقه به‌عنوان یک کنشگر مهم و مؤثر شناخته شده است.

مردم عزیز ایران پس از عبور از فتنه‌ها و جهش از روی موانع دشمنان، متوجه دست چندی آمریکا در زیر دستکش مخملی شده‌اند؛ لذا هرگاه یکی از سران استکبار لباس میش صلح‌طلب را می‌پوشد، مردم ما غافل از دندان تیز وی نمی‌شوند.

به گزارش خبرگزاری «رویترز»، بایدن در بخشی از ۴ نوامبر (۱۳ آبان)، در یک تجمع انتخاباتی برای «مایک لوئین» نامزد دموکرات، گفت: «نگران نباشید، ما ایران را آزاد می‌کنیم.» او بلافاصله با تغییر واژه «ما» در جمله بعدی خود گفت: «آنها خودشان (مردم ایران) به‌زودی ایران را آزاد خواهند کرد.»

این گزاره پیرمرد خیال‌باف آمریکایی حتی برای خود آمریکایی‌ها مضحک است، و سخنگوی کاخ سفید جان کری هم آن را رد کرد. تنها چند روز بعد سخنرانی بایدن، آمریکا و تروئیکای اروپا (فرانسه، آلمان و انگلیس) قطعنامه پیشنهادی خود را در تداوم سیاست فشار حداکثری و اتهام‌پراکنی به جمهوری اسلامی ایران پیرامون مسائل ادعایی پادمانی ارائه کردند که به تأیید شورای حکام رسید. این عمل مسلماً نامش هرچه باشد، آزادکردن مردم ایران نیست.

در طول تاریخ کشور ایران در قیل و بعد از انقلاب، هرگاه حرکت رو به جلویی برای تحقق استقلال، آزادی و پیشرفت آغاز شد، پای ممانعت‌ها و زنجیرهای خارجی برای مخالفت به روش‌های مختلف تحریم، تهدید و جنگ به میان آمد. تحریم بریتانیا علیه ایران در زمان نهضت ملی شدن نفت، تحریم ایران به بهانه تسخیر لانه جاسوسی، تحمیل جنگ ۸ساله علیه ایران، آغاز فصل جدیدی از تحریم‌های نفتی و غذایی و دارویی که منتهی به تحریم هسته‌ای

نشان‌دهنده علاقه مردم ایران به اجرای احکام الهی در جامعه است.

اما حالا، در سال ۱۴۰۱، عاملین دشمن به کمک عده‌ای فریب‌خورده به مقابله با احکام الهی و جمهوری اسلامی برخاسته‌اند؛ دقیقاً برخلاف همان چیزی که مردم ایران به‌خاطرش انقلاب کردند. راهپیمایی ۱۳ آبان و مراسم تشییع پیکر شهدای امنیت هم‌نشان می‌دهد، مردم هنوز پای آرمان‌های انقلاب ایستاده‌اند. این یعنی اغتشاشات اخیر مسیر غلطی را در پیش گرفته، مسیری که برخلاف خواسته عمومی ملت ایران است.

در حال حاضر هم باید اعتراض و انتقاد نسبت به عدم اجرای کامل قوانین اسلامی باشد، نه اجرای اسلام، یعنی اعتراض بیش از آنکه حق دشمنان ایران و دوستدارانشان در داخل باشد، حق مردم انقلابی است.

مردمی که از ابتدای انقلاب همیشه زیر بار سخت‌ترین مشکلات بوده‌اند؛ نمونه‌اش شهید سید روح‌الله عجمیان، جوان بسیجی که زندگی‌اش را از طریق کارگری می‌گذراند، او در حالی جان خود را فدای انقلاب کرد که در سادترین خانه‌ها زندگی می‌کرد، انتقاد به جمهوری اسلامی حق چنین اشخاصی است. انتقاد حق آن خانم محجبه‌ای است که مجبور است با قیمت بسیار بالایی یک چادر را خریداری کند تا حجاب‌ش را حفظ کند، یا آن جوان مؤمن انقلابی که وقتی تصمیم می‌گیرد ازدواج کند، باید از هفت‌خوان رستم عبور کند، یا آن مطالبه‌گری که نسبت به دزدی‌ها و رانت‌خواری مسئولین انقلابی‌نما دغدغه دارد و یا آن جوان مقید و بی‌کاری که پارتی‌بازی آفازده‌ها را می‌بیند، اما برای او کاری پیدا نمی‌شود و از این قبیل موارد و افراد.

پس اعتراض واقعی باید از سوی انقلابی‌ها صورت بگیرد؛ همان کسانی که دغدغه اسلام را دارند، کسانی که برای این انقلاب هزینه داده‌اند تا اسلام را در جامعه اجرا کنند. البته این‌طور نیست که گروه‌های دیگر حق اعتراض نداشته باشند؛ نه! همه‌ی گروه‌ها از حق اعتراض برابر برخوردارند. اما اعتراضی که در آن، مخالفت با جمهوری اسلامی و ایجاد ناامنی نباشد، چرا که اینجا ایران است، اینجا مردم حکومت اسلامی تشکیل داده‌اند، اینجا جمهوری اسلامی است؛ پس کسی که دغدغه اسلام و ایران را دارد، یقه‌ی مسئولین خطاکار را می‌گیرد.

ادامه از صفحه ۱

فرمایش رهبر معظم انقلاب مبنی بر اینکه «جهاد تبیین یک فریضه قطعی و فوری است»، بسیاری از ما احساس وظیفه کردیم و کنشگری‌های مختلفی داشتیم. اغلب این کنشگری‌ها در فضای مجازی و محصور در حلقه خودی‌ها بود، گویی که سرهای خودمان را کنار گوش یکدیگر گرفته‌ایم و داریم جملاتی آشنا را به هم یادآوری می‌کنیم؛ گاهی می‌خندیم و گاهی افسوس می‌خوریم! حال آنکه بعد از شنیدن کلمه جهاد اولین محتوایی که به ذهن‌ها خطور می‌کند، سختی پنهان در آن است. جهاد تبیین یعنی برادر و خواهری که سخن در جمع برایت دشوار است، چنین کن! برادر و خواهری که تحمل حرف مقابل را نداری، آن را گوش کن و به دنبال پاسخ منطقی برای آن باش! برادر و خواهری که توانایی ارتباط با نوجوان و جوان را داری و می‌توانی عامل جذب آن‌ها به مسجد و پایگاه بسیج و مراکز فرهنگی باشی، دیوار دور خودت را بشکن و سراغ نوجوان و جوان، فارغ از فکر سیاسی و وضع فرهنگی‌اش برو! توجه کنیم که این بدین معنی نیست که به وضعیت واقعی افراد بی‌توجه باشیم و با همه با یک نسخه واحد برخورد کنیم، اما اگر قصد «فعالیت جهاد تبیینی» داریم بایستی بتوانیم سختی‌های این امور را برای خود حل کنیم.

پایگاه‌های بسیج، مساجد و مراکز فرهنگی ظرفیت‌های فوق‌العاده‌ای در حل مسئله امروز کشور در یک فعالیت مستمر و بلندمدت دارند. شناسایی مسائل و خردکردن آن‌ها، شناسایی دقیق ظرفیت‌ها، چیدن راهبردی هوشمندانه و اقدامی توأمان با بصیرت انقلابی، می‌تواند مسیر این مراکز برای کارآمد ساختن بیشتر آن‌ها باشد؛ اگرچه این مراکز تنها بخشی از اعضای فعال به‌عنوان حلقه میانی هستند، اما مراکز و گروه‌های اثرگذار متعدد دیگر و به‌طور کلی کنشگران حلقه‌های میانی در این زمینه می‌توانند به کارآمدسازی بیشتر و تحقق آرمان تمدن نوین اسلامی کمک نمایند.

● از گذشته برای امروز

چرا افسرده باشیم؟

انقلاب با چهره‌ها و دل‌های افسرده تضمین شدنی نیست. انقلاب با دل‌های پرشور و چهره‌های شاداب تضمین می‌شود... هیچکس مرا در این دوره نشیب و فراز انقلاب در سخت‌ترین مواقع، نتوانسته است با قیافه افسرده ببیند. چرا افسرده باشیم؟ ما که به دنبال اِحدی الخسَنَیْنِیم (با شهادت یا پیروزی) دیگر چرا افسردگی؟ افسرده نباشید چهره‌ها شاداب باشد نشاط داشته باشید آن وقت شعارتان همین است که آمریکا و مزدوران‌ش هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند. ما در زیر بار سختیها و مشکلات و دشواریها قد خم نمی‌کنیم. ما راست قامتان جاودانه تاریخ خواهیم ماند. تنها موقعی سرپا نیستیم که با کشته شویم و یا زخم بخوریم و بر خاک بیفتیم و الا هیچ قدرتی نمی‌تواند پشت ما را خم بکند

۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۹

سخنرانی در مسجد ابوالفضل (خیابان ستارخان)



تفنگ‌داران جهاد تبیین

علیرضا جعفرزاده

سؤال: در عصر حاضر کدام جهاد دارای اولویت است؟

برای پاسخ به این سؤال باید بدانیم اولویت را چه کسی مشخص می‌کند؟ اگر هر کس بخواهد از دید خودش یک اولویت برای جامعه مشخص کند، جامعه در دریای اولویت‌های مختلف غرق خواهد شد! پس اولویت‌های کلان را یک نفر باید مشخص کند، این شخص کیست؟ این شخص همان رهبر جامعه است. رهبر جامعه است که اولویت‌ها را تعیین می‌کند. اولویت امروز جامعه ما برای جهاد، توسط رهبر انقلاب با عنوان جهاد تبیین مطرح شده است.

وقتی امام علیه السلام فرمان تشکیل بسیج مستضعفین را صادر کردند این نکته را فرمودند که «مملکتی که ۲۰ میلیون جوان دارد باید ۲۰ میلیون تفنگ‌دار داشته باشد، همچنین مملکتی آسیب بردار نیست»، اما ۲۰ میلیون تفنگ‌دار برای چه؟ در آن عصر مهم‌ترین خطر، خطر نظامی دشمن بود که ما را تهدید می‌کرد و متناسب با آن امام علیه السلام فرمودند: اگر ۲۰ میلیون جوان داریم باید ۲۰ میلیون تفنگ‌دار داشته باشیم. طبعاً این ۲۰ میلیون نفر باید برای مقابله با دشمن آموزش نظامی ببینند.

اما امروز از مهم‌ترین تهدیدها و تهاجمات، تهاجم فرهنگی و جنگ شناختی دشمن است؛ لذا به اقتضای این اولویت، بسیج باید خود را تجهیز کند! ما امروز به ۲۰ میلیون تفنگ‌دار جهاد تبیین نیاز داریم و این یک ضرورتی است که نیاز به آموزش دارد. یعنی مسئولین بسیج باید زیرساخت‌ها و شرایط لازم برای آموزش این نوع جهاد را فراهم کنند. در کنار آن هم هر بسیجی به‌خودی‌خود، موظف است، با افزایش معرفت خود به کنشگری در جبهه جهاد تبیین در مسیر صحیح بپردازد. حواسمان باشد اگر اولویت‌ها را رعایت نکنیم و یا اگر دشمن با فریب، آنها را در زندگی ما جابه‌جا کند؛ هزینه‌های سنگین در انتظار ما خواهد بود.

پنج آذر سالروز فرمان تشکیل بسیج مستضعفین به فرمان امام خمینی علیه السلام است، بسیج یک نیروی مردمی است که از مهم‌ترین نقاط قوت جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید. یکی از کلیدواژه‌هایی که ارتباط تنگاتنگی با مفهوم بسیج دارد، کلمه «جهاد» است.

امام‌عنا‌ی جهاد چیست؟

امروزه معمولاً وقتی از جهاد صحبت می‌شود ذهن‌ها می‌رود سمت اردوهای جهادی، کمک بسیجیان به مناطق سیل‌زده و... یا اینکه یاد دفاع مقدس و مانند آن در خاطرها زنده می‌شود.

درست است؛ همه اینها را به‌نوعی می‌توانیم جهاد به‌حساب آوریم. اگر جهاد را به تلاش بسیار زیاد در راه کمک به نیازمندان معنا کنیم، می‌توان به‌عنوان یک مصداق به حضور بسیج در مناطق محروم یا مناطق زلزله‌زده و برگزاری اردوهای جهادی اشاره کنیم.

اما بگذارید جهاد را دقیق‌تر معنا کنیم. برای این منظور به سراغ تعریف آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، رهبر انقلاب برویم. ایشان جهاد را این‌گونه معنا می‌کنند که: «هر تلاشی جهاد نیست. خیلی‌ها تلاش می‌کنند تلاش‌های علمی زیادی می‌کنند، تلاش‌های اقتصادی می‌کنند، خوب است، به‌جاست، اما جهاد نیست. جهاد یعنی تلاشی که هدف‌گیری در مقابل دشمن درش وجود داشته باشد». این بود معنای دقیق جهاد.

جدای از بحث معنای جهاد که از آن گذر کردیم باید بدانیم که جهاد انواع مختلفی دارد که در این انواع مختلف بسته به شرایط عصری که در آن زندگی می‌کنیم یک نوع از جهاد بر انواع دیگر رجحان پیدا می‌کند. یعنی دارای اولویت می‌شود. به‌عنوان مثال، در دوران جنگ تحمیلی این جهاد نظامی بود که رجحان و اولویت پیدا کرد.



آتش در آسیاب دشمن بریزید!

محمد امیر اکبری



ملی در یک کشور، از ارزش‌های درجه اول آن کشور است. ما می‌توانیم با مطالعه سرودهای ملی کشورهای مختلف به هنجارها، باورها و ارزش‌های یک کشور پی برد. اگر برای نخواندن سرود ملی ایران، هزار و یک دلیل هم در نظر بگیریم باز هم نخواندن آن ضررش، از خواندن آن بیشتر است و این امر نه تنها همدردی با مردم تعریف نمی‌شود؛ بلکه زدن زخم بیشتری به آنها است. البته عده‌ای موافق این گزاره نیستند، این عده تعریف خود از مردم ایران را، منحصر به چند اکانت مجازی مهاجم می‌دانند. در حالی که مردم حقیقی ایران آنهایی هستند که وقتی سرود خوانده نشد غمگین شدند، وقتی تیم ملی گل خورد آزرده‌خاطر شدند و وقتی تیم ملی به گل رسید با غرور و غیرت شادی کردند. حتی این مردم پس از شکست هم حمایت‌های خود را از تیم ملی افزایش دادند. بازیکنان ما باید این امور را با بصیرت بیشتری دنبال کنند، کنش آنها باید خردمندانه و در جهت نمایندگی از جمعیت ۸۰ و چند میلیونی ایران باشد. مسئولین متولی این امر هم باید به هوش باشند، شاید بخشی از سکوت تیم ملی، در نتیجه‌ی سکوت و انفعال مسئولین در این چند سال بوده باشد.

در انتها باید یاد آور شویم، ما ملت جمهوری اسلامی ایران، بصیر، دین‌دار، شجاع و باعزت هستیم، مشکلات داخلی ما را از کشور اسلامی مان دلسرد نمی‌کند. ما به وضع موجود اعتراض داریم؛ چون این وضع را شایسته جمهوری اسلامی خود نمی‌دانیم نه اینکه قائل به آسیب و قانونی شکنی باشیم؛ فرزندان ایران در تیم ملی هم این را بداندند و در این جهت تلاش کنند. ما دشمن شکن هستیم و به جای آب در آسیاب دشمن آتش می‌ریزیم.

در سرود ملی انگلستان می‌خوانند: زندگانی ملکه دراز باد تا بر ما حکومت کند ... و در تاریخ می‌نویسند یاد ملکه گرمی باد که در سال‌هایی نه‌چندان نزدیک و نه‌چندان دور، قدم به سرزمین‌های جدید نهاد و با به غارت بردن منابع و زمین‌های آنان، اجداد سیه‌تبار آفریقایی را به بردگی گرفت و به بند کشید.

امروز هم پس از گذشت ده‌ها نسل، جوانانی از نوادگان آن بردگان، سرود ملی ملکه را با افتخار می‌خوانند و برای کشور جدیدشان با گل‌زدن در جام جهانی افتخار می‌آورند. بلیت‌گام، رتشفورد، استرلینگ و ساکا تنها نمونه‌ای از هزاران سیه‌تبار انگلیسی‌اند که یادگار تزیین شده دورانی تاریک و فراموش شده به نام استعمار کهن بریتانیا در جهان‌اند. اما رقیب سرسخت تاریخ استعمار انگلیس امروز، نه یک کشور قدرتمند و یا کنشگر غیردولتی بلکه بازیکنان معترض فوتبال این تیم هستند. این بازیکنان با دنبال کردن یک رسم جدید قبل از شروع بازی‌ها با زانو زدن به تبعیض که یکی از نتایج این استعمار است اعتراض می‌کنند.

همه اینها را گفتیم، تا برسیم به این اصل که تصویری که از نمایندگان یک ملت در دوربین‌های جهانی مخابره می‌شود، می‌تواند حاوی پیام‌ها و برداشت‌های خاصی باشد. اینکه آرتور ویدال سرود ملی شیلی را بلند بخواند تعصب وی را نشان می‌دهد، شادی پس از گل بازیکنان اکوادور حاوی پیام است و همچنین سکوت و نخواندن سرود ملی توسط بازیکنان حاضر در ترکیب تیم ملی ایران هم پیام‌هایی را بروز می‌دهد. این پیام‌ها می‌تواند خوب یا بد باشد، ضرر برساند یا منفعت ایجاد کند، ملت را دلشاد یا ناراحت کند. سرود

عکس‌هایی که حرف می‌زنند

